



MIRANKA

웹툰 mini
원작 유인
kidari STUDIO
(주) 키다리아이엔티



외과의사 엘리제



کاری از گروه MIRANKA

مترجم H._H

ادیتور のために

خب من بیشتر کنچکاوم
بدونم کی نامزد شاهزاده
میشه.

امیدوارم ذن باهوشی باشه.



درسته. اون اول باید یه انسان
خوب باشه.



به مصرف داروهایی که تو
ویزیت قبل برآتون نوشتم
ادامه بدین.

همش همین؟

بله. ممنونم که این راه
رو اومدین.

چیز دیگه ای هست که
بخواین در مورد وضعیتون
بدونین؟

نه. سه روز دیگه
میبینمتون.

هیچ دلیلی برای عجله
نیست، پس چرا اینقدر
عجله میکنه...؟

یکم زمان بیشتری
میتوانیم سپری کنیم...

بیشتر...؟ به چی دارم فکر
میکنم...؟

بعد از ویزیت بعدیتون
دیگه لازم نیست بیاین.

...

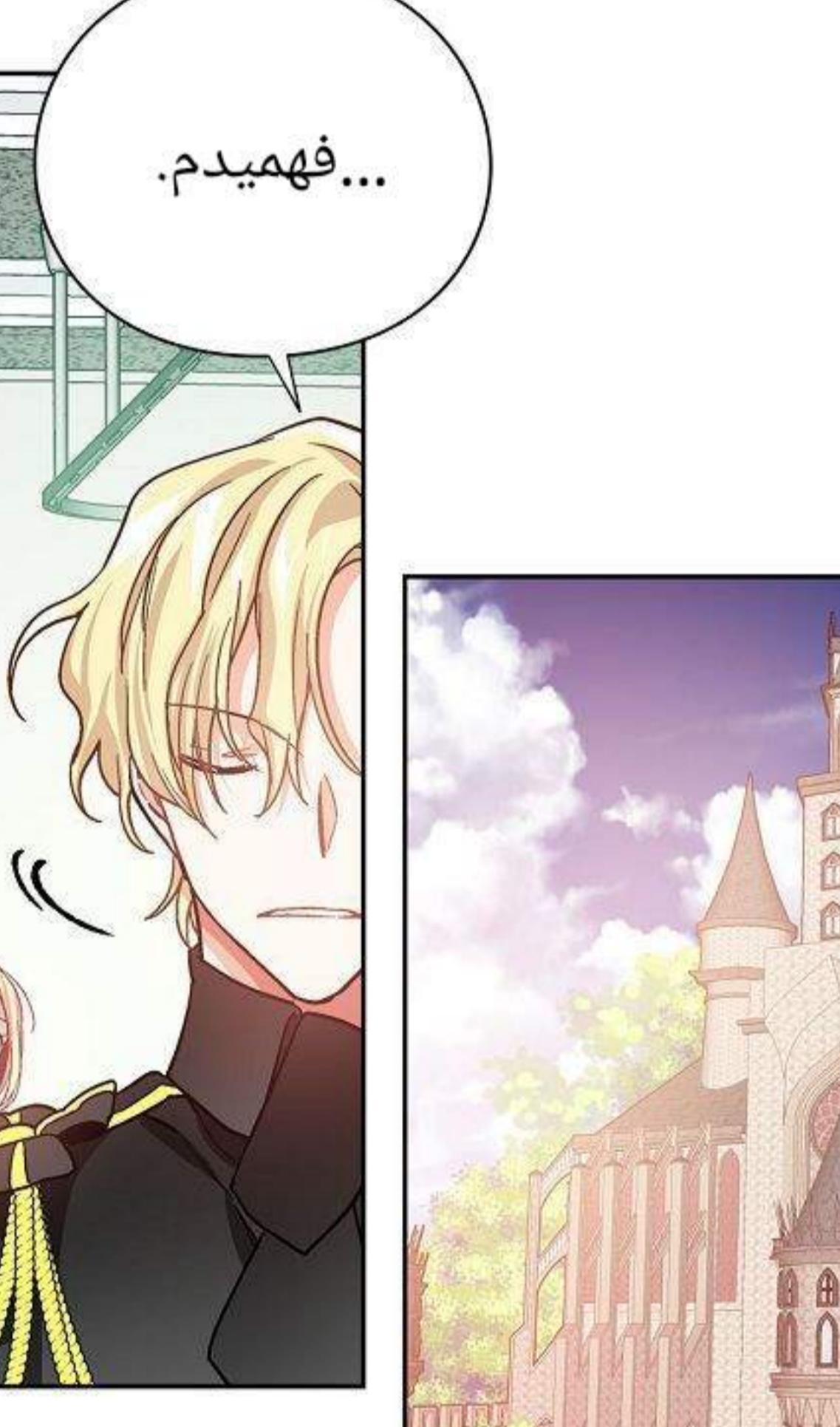
لازم نبست بیام؟



اوه... شما تقریبا خوب شدین! نگران

نباشین. اگه به مصرف دارو ها

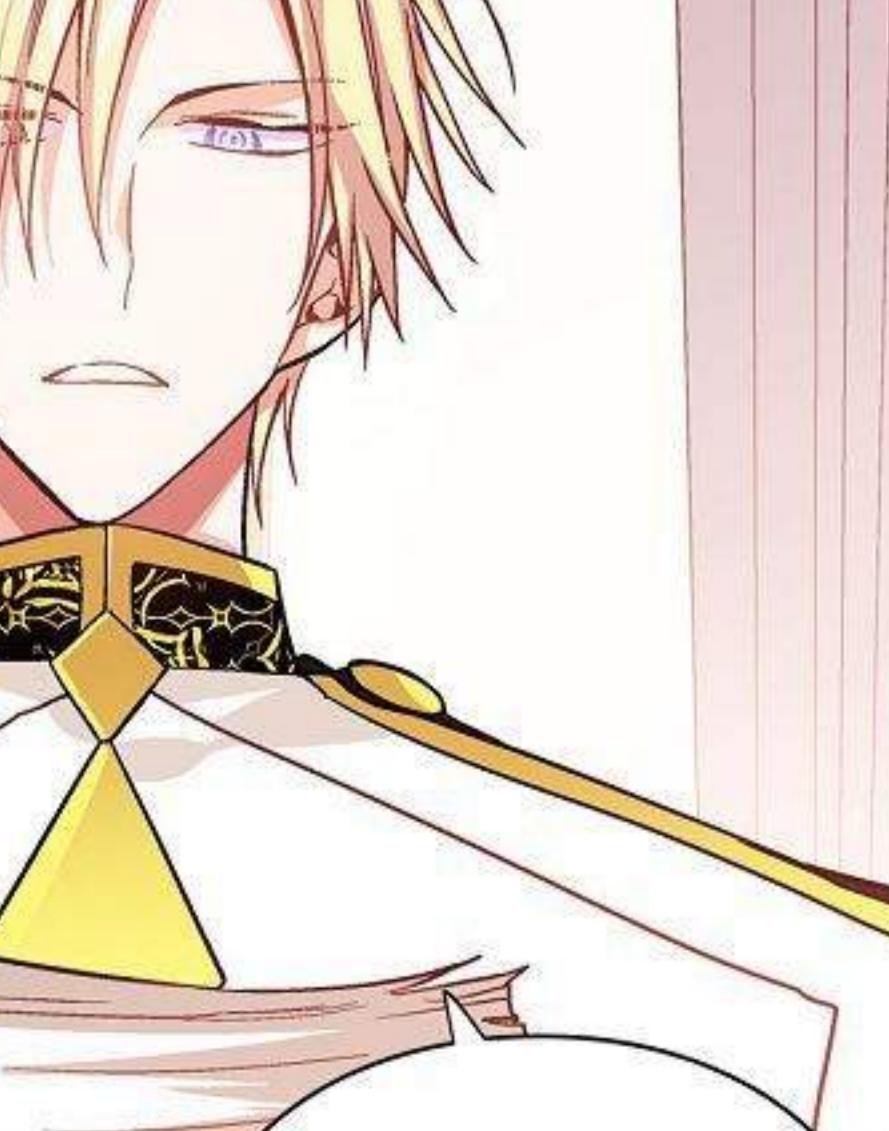
ادامه بدین کامل بھبود پیدا میکنین.



برای چی ناراحته؟ باید خیلی

نگران باشه...

فهمیدم.



با اینهمه کاری که دارین

کجا غیبتون زده بود؟

عالیجناب.



لنى.



اگه چىزى اذىتتون

مېكىنە من بېش رسيدگى

مېكىنم.

خواهرتە.

همشيرت چى

دوسىت دارە؟

منظورتون كريي

? ٤

اوون يكى

نه. خواهرت.

فقط مىخوام يە چىزى

رو براش جىران كىم.

ھىچ معنى خاصى پىشتىش

نىست پس فكرت رو

مشغولش نكىن.

جارد

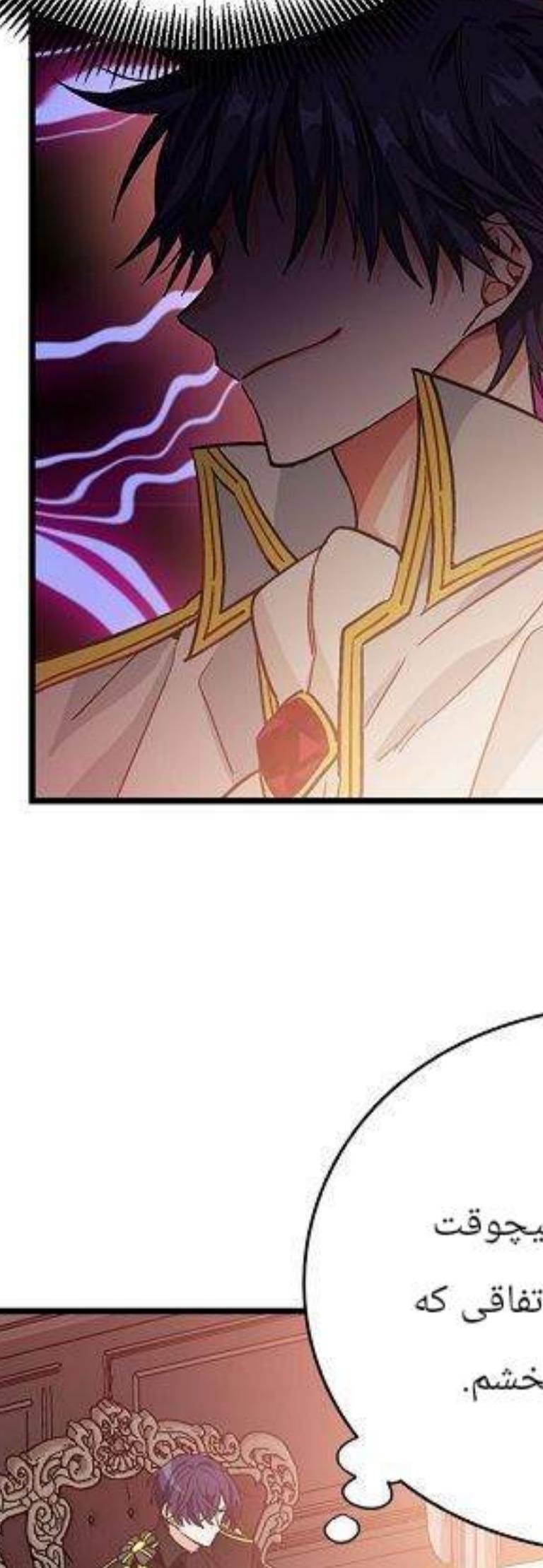
چى دوسىت دارە؟

آها. اوون خوردىن رو

دوسىت دارە.



این چیزا بدونه.



ولی با اینکه برادرم، هیچ وقت
اون و یا "اونا" رو برای اتفاقی که
"اون روز" افتاد نمیخشم.



جواهرات چطوره؟

الآن که در موردش فکر میکنم،
الیزه همیشه از چیزای درخشنان
خوشش میاد و لباسایی که جواهر
دارن هم دوست داره.



جواهرات.

فهمیدم.

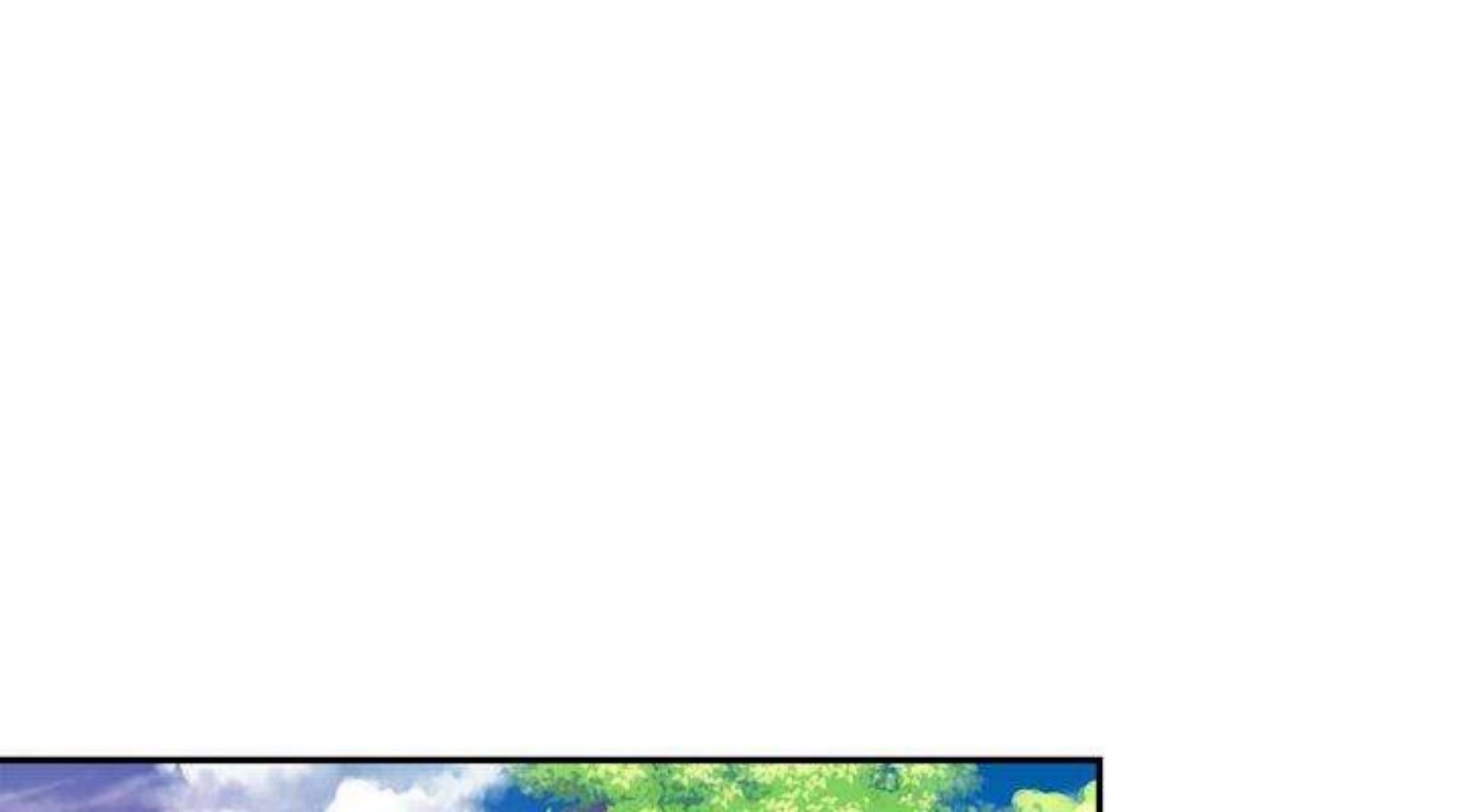
به هدیه مناسب به
نظرم میرسه.

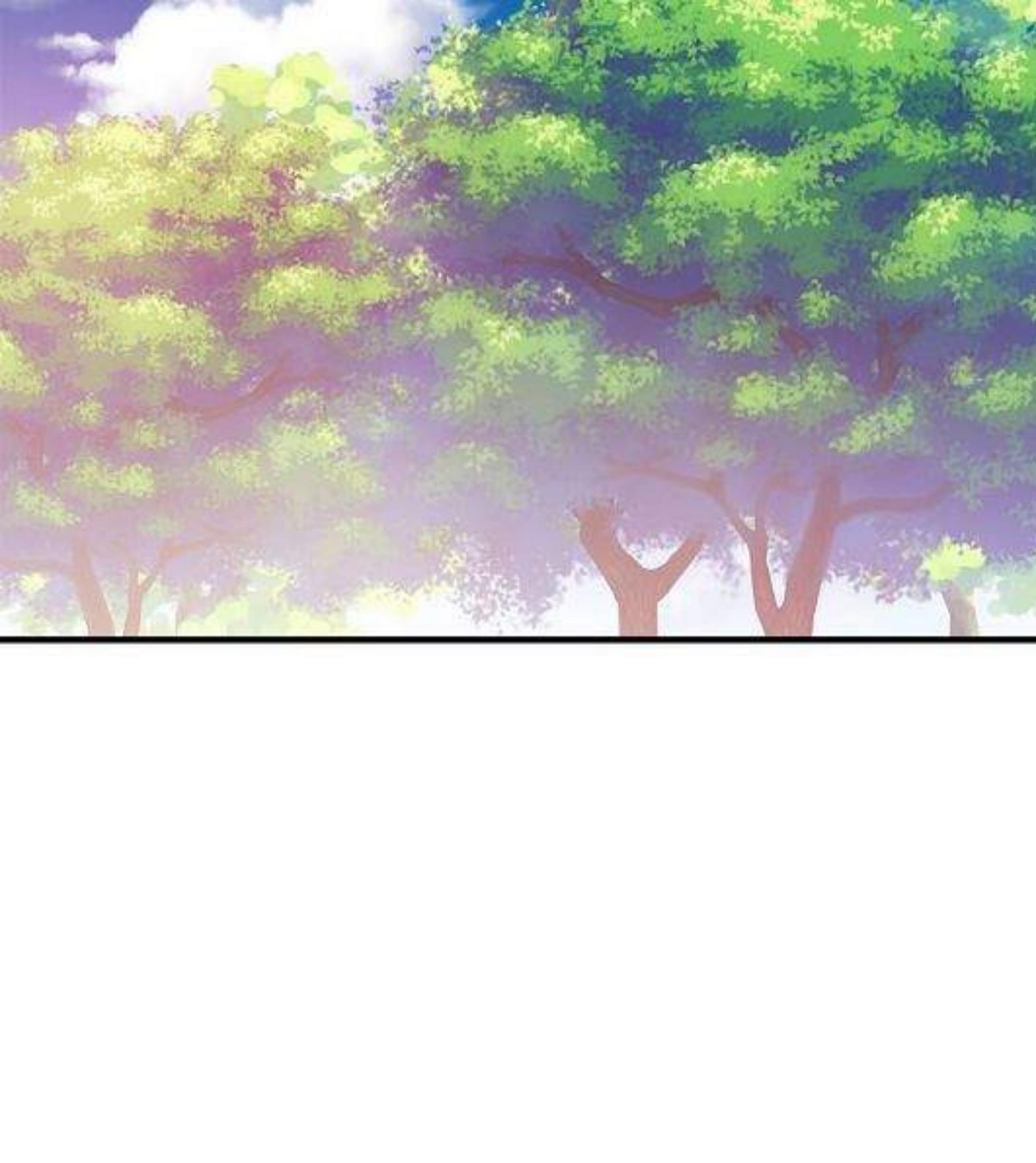
NOD



اما اون واقعاً دوستش داره؟

فکر نمیکنم باهاش جور باشه،
ولی بهتره به حرفای برادرش
اعتماد کنم.





میکنم.

اشکال نداره. به هر حال
دوست داشتم کمکتون رو یه
جوری جبران کنم.

همونطور که فکر میکردم اون
الان با زمانی که بچه بود فرق
داره... زمانی که فقط با اشیاء
لوكس سرگرم بود.

پرداخت صورت حساب

بیمارستان بیش از حد کافیه. به

عنوان یه اشرافی باید مبلغ

زیادی رو پرداخت کنین.

میدونی که در مورد صورت
حساب صحبت نمیکنم.

واقعا مشکلی نیست،
ولی...

یک...

کیک توت فرنگی

چطوره؟

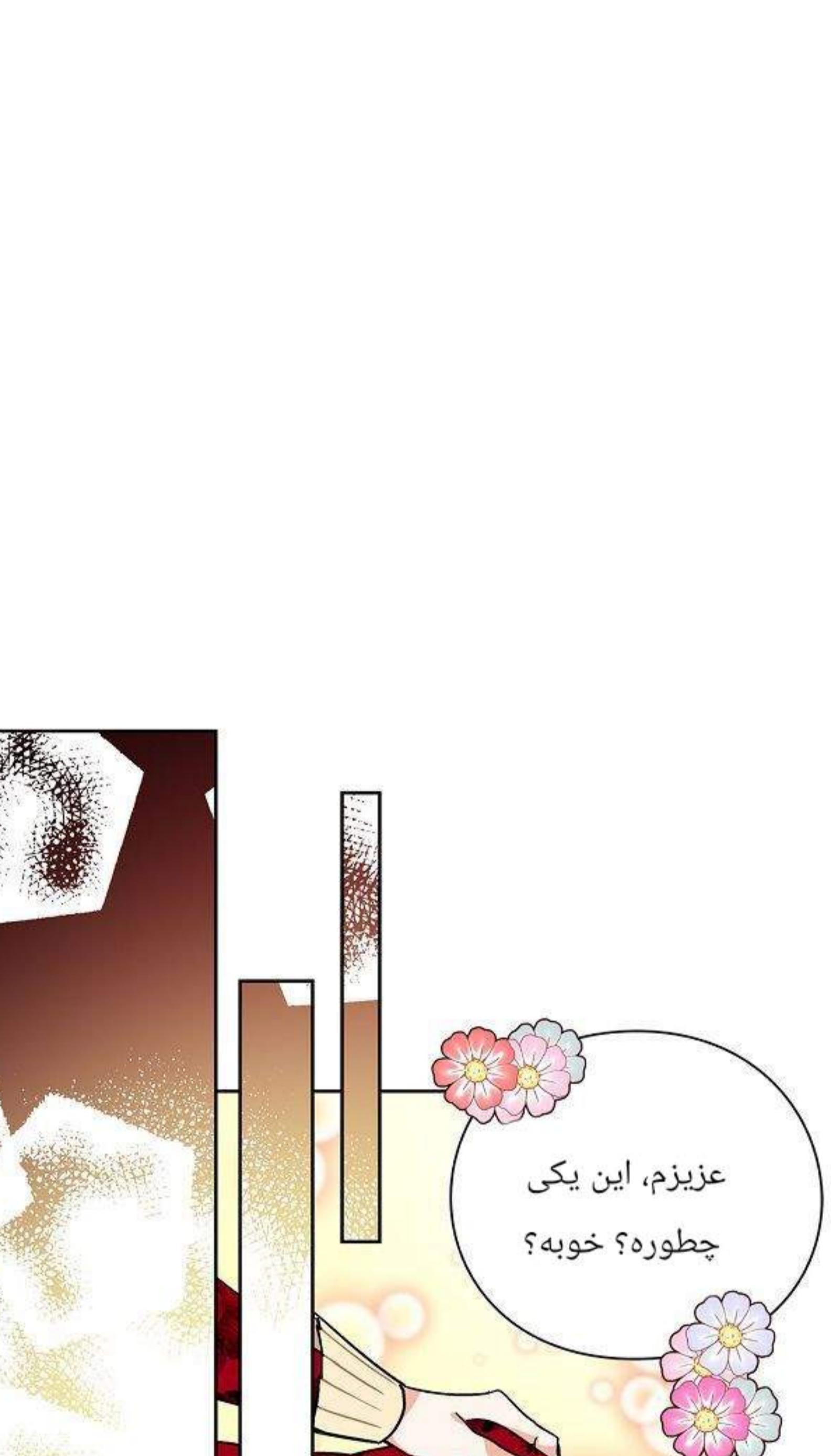
اگه بازم همیگه رو دیدیم،
میتوینین برام کیک توت
فرنگی بخرین.

کیک توت فرنگی

چطوره؟

اگه بازم همیگه رو دیدیم،
میتوینین برام کیک توت
فرنگی بخرین.





و ولی تو واقعا
خوشگلی.

انگار برای مراسم تولد
هیجان زده ام.

و به لطف اون
بیمارستان تعطیله.

تو اینو میگی چون
نمیخوای کمک کنی!

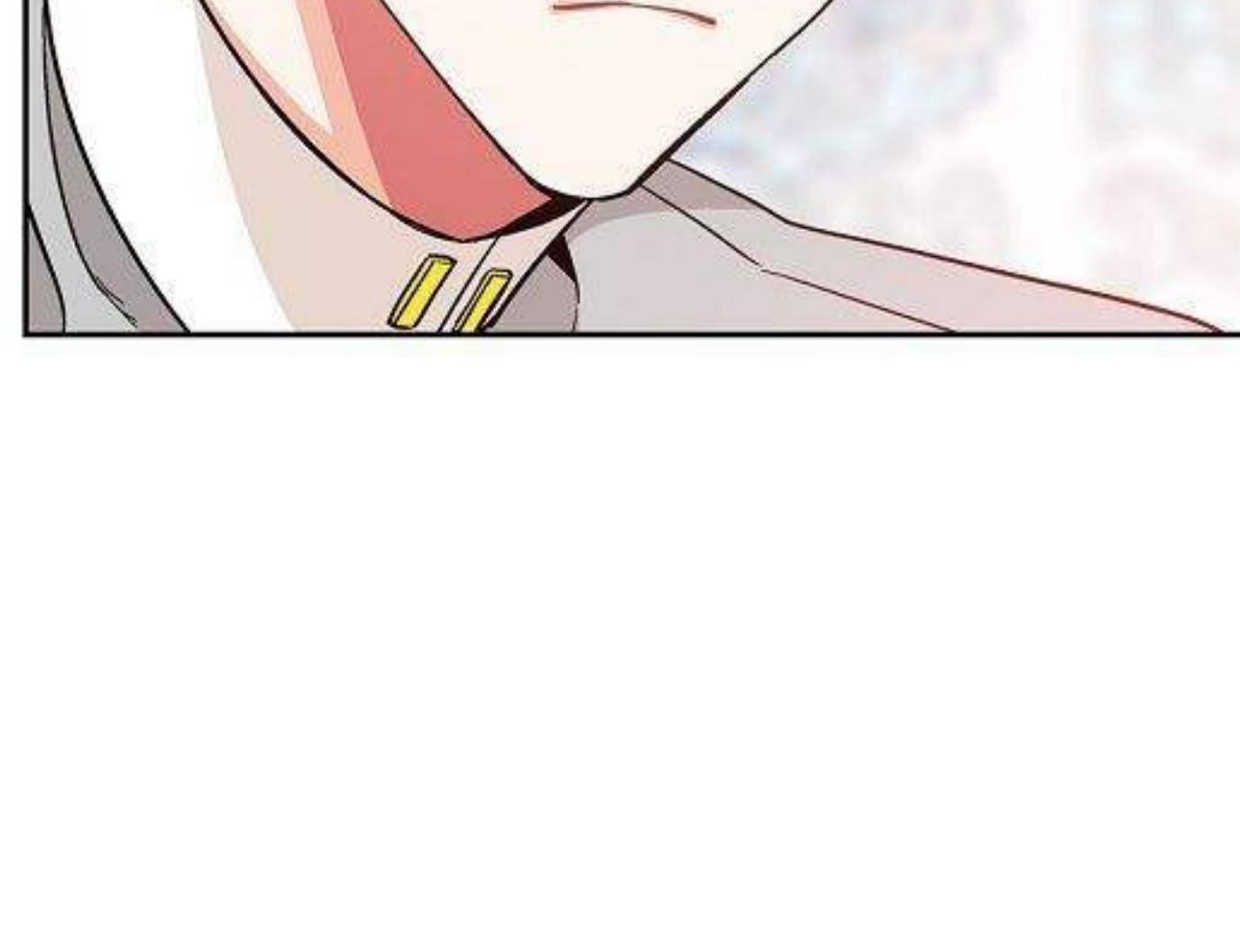
تو زندگی قبلیم به عنوان
الیزه، مادر بخاراطر بیمار فوت
کرد.

این بار حتما
کمکش میکنم.

لیزه، تو نمیخوای آماده
 بشی؟

الآن آمادم. لباسی که
دفعه قبل انتخاب کردم
رو میپوشم.

اون واقعا اینطور به نظر
نمیرسه.



من دانش پزشکیم رو از زمین
دارم، ولی لازمه در مورد پیشرفت
پزشکی این دنیا هم خوب مطالعه
کنم.

SIGH

فقط باید یکم خودمو نشون
بدم و سریع مراسمو برای درس
خوندن ترک کنم.

به هر حال، انگار یکم رنگت
پریده...هم؟ تب داری؟ حالت
خوبه؟

من خوبم، نگران
نباش.

نه، باید استراحت
کنی. کتاب خوندن کافیه.
باید بربی بخوابی.

تو داری به خودت فشار
میاری لیزه.

حالم خوبه. وقتی اینو
تموم کردم میرم تو تختم.

امکان نداره! تو همیشه زود
مریض میشی. اگه سرما
بخوری چی؟

برو استراحت کن!!

من تو اتاق نگهت
میدارم!

من، من واقعا

خوبم...

WHIMPER

گریه و زاری فایده

نداره!



اوھ...

PANT

DIZZY

من مريضم...با تب...

تولده! چيکار باید بکنم؟!

و امروز روز مراسم

تولده! چيکار باید بکنم؟!

To Be Continued



امیدوارم لذت ببرید ❤️😊

جرر رفتم تا امادش کنم پس کپی نکنین 😂

کپی کنین خونتون پا خودتون ✕ 😂

کاری از گروه MIRANKA